



دوفصلنامه تاریخ علوم و فناوری دوره اسلامی  
سال سیزدهم، شماره‌های اول و دوم، سال ۱۴۰۳  
شماره پیاپی: ۲۵ و ۲۶

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
مدیر مسئول: اکبر ایرانی  
سردبیر: محمد باقری  
مدیر داخلی: زینب کریمیان  
اجرای جلد: محمود خانی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

همکاران علمی

حسن امینی \* حمید بهلول \* پویان رضوانی \* فاطمه سوادی \* حنیف قلندری \* یونس کرامتی \* امیرمحمد گمینی  
شمامه محمدی‌فر \* راضیه‌سادات موسوی \* یونس مهدوی \* سجاد نیک‌فهم خوب‌روان

مشاوران علمی

یوسف ثبوتی \* توفیق حیدرزاده  
محمدابراهیم ذاکر \* حسن طارمی \* مهدی محقق  
حسین معصومی‌همدانی \* محمدجواد ناطق \* سیدحسین نصر  
علی بابایف (جمهوری آذربایجان) \* جان لنارت برگرن (کانادا) \* گلن وان بروملن (کانادا) \* احمد جبار (فرانسه)  
سرگی دمیدوف (روسیه) \* رشدی راشد (فرانسه) \* جمیل رجب (کانادا) \* سری‌رامولا سارما (آلمان)  
ژاک سزبانو (سوئیس) \* جورج صلیبا (امریکا) \* حکیم سید ظل‌الرحمان (هند)  
مصطفی موالدی (سوریه) \* یان پیتر هونخندایک (هلند) \* میچیو یانو (ژاپن)

تصویر پشت جلد: نقش کاشیکاری از مدرسه العنبرگ در سمرقند با کتیبه: العلم کنز عظیم [لا یفنا (از حضرت علی (ع))]

نشانی مجله: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه چهارم، شماره ۱۶  
کد پستی: ۹۳۵۱۹-۱۳۱۵۶ تلفن: ۰۶۶۴۹۰۶۱۲ دوزنگار: ۰۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir  
miraselmi@mirasmaktoob.ir / miraselmi90@gmail.com  
بها: ۶۰۰۰۰۰ تومان





## ترجمه رساله وفق اعداد مصطفی بن حسین کاشانی<sup>۱</sup>

محمد اسماعیل دانشمند<sup>۲</sup>

### سرسخن

مصطفی بن حسین کاشانی (زنده در ۹۱۷ق) از علما و ریاضیدانان سده‌های ۹ و ۱۰ هجری است که از زندگی او اطلاعی نداریم. از وی رساله‌ای در وفق اعداد به زبان عربی در شش مقاله برجای مانده که با توجه انجامه نسخه شماره ۱۸۱۴/۴ مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی آن را در سال «ظین» (۹۱۷ق) در شهر مشهد برای عالمی به نام سیف‌الدین احمد ذوالنور تألیف کرده است. با توجه به مقدمه رساله، وی سال‌ها در غربت بوده و به شهرهای مختلف سفر کرده است. از این رساله پنج نسخه خطی گزارش شده است.

۱- نسخه شماره ۱۴۱۵۳ کتابخانه آستان قدس رضوی که در رمضان ۹۹۰ق به خط نستعلیق کتابت شده است.

۲- نسخه شماره ۱۸۱۴/۴ مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی که به خط نستعلیق تحریری در ۹۹۶ق در اردبیل کتابت شده است.

۳- نسخه شماره ۳۲۵۰/۷ کتابخانه ملک تهران که به خط نستعلیق در قرن ۱۳ هجری کتابت شده است.

۴- نسخه شماره ۷۴۲/۱۹ کتابخانه ملک تهران که به خط نستعلیق محمد قلی بن عوض قراچه داغی در سده ۱۳ هجری کتابت شده است.

۵- نسخه شماره ۵۹/۶ کتابخانه رضا ابوالبرکات اصفهان که به خط نستعلیق محمد ابراهیم بن محمد کریم ورنوسفادرازی در سال ۱۲۴۵ق کتابت شده است.<sup>۳</sup>

۱. این ترجمه از روی متن تصحیح شده بر اساس نسخه‌های ۱۴۱۵۳ آستان قدس و ۱۸۱۴ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و ۷۴۲ ملک صورت گرفته است و در چند مورد به‌ویژه تصحیح جدول‌ها به نسخه ۳۲۵۰ ملک هم رجوع شده است.

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب در دانشگاه کاشان، j.hasandaneshmsnd@gmail.com

۳. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۴، ص ۴۹۳.

در قدیم ریاضیات به چهار شاخه هندسه، حساب، نجوم و موسیقی تقسیم می‌شد که هر کدام نیز شاخه‌های فرعی داشته‌اند. برخی منابع علم وفق اعداد را جزو شاخه‌های فرعی حساب می‌دانند ولی در بیشتر منابع جزو علوم غریبه محسوب می‌شود. در دوره اسلامی علوم غریبه در ۵ شاخه به نام‌های «کیمیا، لیما، هیما، سیمیا و ریمیا» (که حروف اولشان کُلّه سر می‌شود) وجود داشته است. هر چند بیشتر این علوم سینه به سینه منتقل می‌شده با این حال آثار مکتوب متعددی در این زمینه‌ها موجود است. یکی از این علوم «وفق اعداد» است.

علم «اوافق» یا «اوافق و اعداد»، از دانش‌هایی است که در دوره پس از اسلام، رساله‌های زیادی درباره آن، به عربی و فارسی نگاشته شده است. فراوانی این نگارش‌ها و پرداختن به این علم در ذیل علوم ریاضی یا علوم غریبه، کتب چنددانشی، کتاب‌شناسی‌ها یا منابع ادبی، نشان از رواج آن در برهه‌ای طولانی - حتی تا این اواخر - دارد.

کاربرد وفق - جدا از ماهیت آن - نشان می‌دهد که این جداول در خدمت طلسمات و برآوردن حاجات و دفع مصائب و دشواری‌ها بوده است. تأکید بر این که ترسیم یا کاربرد این مربعات باید در وضع خاص قرارگیری سیارات باشد، بر همین امر صحنه می‌گذارد. چنان‌که در رسائل اخوان الصفا آمده است علم سحر و طلسمات تابع و پیرو علم احکام نجوم است. در واقع چنین گمان می‌رفت که پر کردن این مربعات خاصیت سحری دارد و شاید این خواص را به ستارگان نسبت می‌دادند.

با نگاهی به بخش طلسمات و نیرنجات<sup>۱</sup> کتب چنددانشی در می‌یابیم که برخی از شرایطی که برای ترسیم طلسمات و خواص آن‌ها ذکر شده، در مورد جداول وفق هم آمده است. برای مثال شمس‌الدین محمد دُنِسیری - مؤلف نوادر التبادر - بیان کرده که سحر را «اوقات معلوم و طوابع معروف و مجوز مخصوص است». هم‌چنین در ضمیمه این اثر برای شخص، مکان، زمان و آلت ترسیم طلسم شرایطی ذکر شده است. فخر رازی در باب پنجاه و دوم جامع العلوم (ستّینی) با عنوان «علم العزایم» شروط اعمال تنجیم را ذکر کرده که درباره کیفیت جامه، جایگاه و زمان است. همین شرایط و کیفیات کمابیش برای ترسیم جداول وفق نیز مطرح شده است؛ برای مثال کشیدن این اشکال در وقت نجومی خاص، یا کشیدن آن به مشک و زعفران و گلاب بر کاغذ یا فلز، همراه با استفاده از انواع بخورات. خواص و آثار این جداول شامل تمام چیزهایی است که در خواص اشیا یا اوراد دیگر هم آمده است و طبعاً دربرگیرنده مسائل روزمره مردم بوده است، مانند راحتی زادن، ایمنی از دزدان، نجات زندانیان، رسیدن به حاجات، محبوبیت و مقبولیت نزد شاهان، صلح و سازگاری میان زن و شوهر، ایمنی از امراض و حشرات، رفع خشکسالی، دفع جن، دشمنی و جز این‌ها.<sup>۲</sup>

۱. جمع نیرنج، معرب نیرنگ که برای علم حیل (ابزارهای مکانیکی) هم به کار می‌رفت.

۲. حیدرپور نجف‌آبادی، ندا، تاریخ و تمدن اسلامی، دوره ۱۶، ش ۲، شماره پیاپی ۳۲، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، آذر

مؤلف ناشناس رسالهٔ وفق نسخهٔ شماره ۱۷/۱۲۵۹۳ کتابخانهٔ مرعشی قم در مقدمهٔ رساله‌اش نوشته «اگر کسی به علم وفق دست یابد به اشرف علوم دست یافته است».

طبق آیهٔ ۱۰۲ سورهٔ بقره<sup>۱</sup> که از طرف خداوند متعال ضوابطی برای آموزش سحر ذکر شده، یکی از کاربردهای وفق اعداد ابطال سحر است ترجمهٔ فارسی رسالهٔ وفق اعداد مصطفی بن حسین کاشانی در ادامه عرضه می‌شود.

## [ترجمهٔ رساله]

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حمد و سپاس می‌گویم خدائی را که بر وفق مشیت خود، موجودات هستی را پدید آورد و ابداع نمود.

و چشمه‌های حکمتش را در خانه دل‌های بندگان خاصش جاری ساخت.

و صلوات و درود بر پیامبرش حضرت محمد (ص) که قطرهای زمین‌ها و آسمان‌ها را با نور رسالتش روشن کرد. و سلام بر صحابه و عترت و همسران او که افراد یگانه در ذات عظیم الشانسان هستند.

و بعد از حمد و درود و سلام، این بندهٔ نیازمند به خداوند سبحان، مصطفی پسر حسین کاشانی عرضه می‌دارم که: این رساله‌ای است دربارهٔ علم وفق اعداد؛ علمی که خدای سبحان و تعالی، به آن شرافت داد و خواص و آثار بی‌شماری بر آن مرتبط می‌شود.

من با وجود نهایت خستگی و سختی برآمده از فرا رسیدن مصیبت و حوادث ناخوشایند روزگاران و زیادی رنج مسافرت و نیز غربتی که درونم را پاره پاره می‌کرد و فرو می‌ریخت به املاء و نوشتن این رساله، مبادرت ورزیدم گرچه در سرزمینی به سر می‌بردم که علمای فراوان داشت ولی سستی و رخوت اختیار کرده بودند. فقط در عالم خواب می‌توانستم غذایی برای خوردن بیابم و اگر



۱۳۹۹، ص ۴۳-۷۳.

۱. وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ وَمَا كَفَرَ سَلِيمًا وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَازُوتَ وَمَأْرُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلَّمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرُّوا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (و از آنچه شیاطین در روزگار فرمانروایی سلیمان می‌خواندند، پیروی کردند و سلیمان [به سحر نپرداخت و] کفر نوزید، ولی شیاطین کفرورزیدند آنان به مردم سحر می‌آموختند و نیز آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در بابل نازل شده بود این دو به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند مگر آنکه می‌گفتند ما مایه آزمونیم [با به کار بستن سحر] کافر مشو اما [مردمان] از آنها چیزی می‌آموختند که با آن بین مرد و زنش جدایی افکنند، و البته به کسی زیان رسان نبودند مگر به اذن الهی، و چیزی می‌آموختند که به ایشان زیان می‌رساند و سودی برایشان نداشت، و به خوبی می‌دانستند که هر کس خریدار آن باشد در آخرت بهره‌ای ندارد و اگر می‌دانستند بد چیزی را به جان خریده بودند.)

لباسی می‌یافتم [نه بر تن خودم که] بر تن دیگران می‌دیدم. در نتیجه به همراه حوادث سنی، قوای من کم کم رو به نقصان نهاد و از این تن ناتوان، انجام بسیاری از کارها ناممکن نمود و همه این تحملات به جهت علاقه‌ای بود که به علم و آگاهی داشتم و نیز رفع نادانی و گمراهی.

لذا تصمیم من بر آن شد که خودم و افعالم را به ورطه فراموشی بسپارم به این امید که گذر زمانه بعد از آن بر من روی آورد و به حالم ترحم نماید. [اکنون] خوشوقتم که در این قحط الرجال - چه در بین خواص و عوام و دیگران - به محضر عالیجناب و خردمندی ادیب راه یافتم که زمانه همچون او به خود ندیده است و او کسی نیست جز دانشمند درخشان و برجسته و نویسنده کامل، فصیح در علوم فقه و کلام و عالم به حساب فروع و اصول و مروج انواع علوم با تفکر صحیحش و نافذ و باحث تمام معارف الهی با طبع نافذش و حلال مشکلات ظریف و آشکارکننده رازهای نهانی حقایق و [محقق] و کسی که دارای نفس قدسی بود و پیروز و فائق بر هماوردهایش به وسیله کرامات ارزشمندش، با اخلاق موروثی و غیرموروثی، ملجاء و پناه در رفت و آمدهای مردمان مختلف و کسی که آباء و اجدادش نیز همچون او پناه اهل فضل بودند. [محققی که] تلاشگران به کنه خصایص او راه نیابند و شمارش‌کنندگان در شمارش اخلاق زیبایش ناتوانند، او شیخ الاسلام و المسلمین است و مسمی و مشهور به سرآمد خوبان اهل یقین و مؤید به الطاف پروردگار صمدش، مولانا سیف الدوله دنیا و دین، احمد ذوالنور که علاوه بر سرآمدی‌اش در نویسندگی و تحریر، انسان شجاعی بود که امورات مردم در اثر فضیلت‌های او آباد و مشکلاتشان توسط دریا‌های نتایج افکارش مرتفع باد. هرکس که آمین گوید خدایش حفظ کند.

این بود تا اینکه نامه‌ای برایم نوشت و من این رساله را به او هدیه نمودم تا به وسیله آن تجدید ارتباط او با من و مزید جلب نظر شدن من نزد او باشد. و این رساله بر شش مقاله استوار است.

### مقاله اول: درباره مبادی

**مربع:** [مربع] اطلاق می‌شود بر حاصل ضرب هر عدد در خودش که اصطلاحاً به آن، مربع عددی می‌گویند و به مضروب، ضلع آن مربع گفته می‌شود. و علمای حساب به ضرب مضروب در خودش، جذر و به حاصل این ضرب، مال یا مجذور می‌گویند.

[و نیز مربع اطلاق می‌شود بر] مسطحی که احاطه می‌شود به وسیله چهار خط مستقیم مساوی متقاطع که با هم زاویه قائمه بسازند و اصطلاحاً به آن مربع سطحی می‌گویند و خطوط چهارگانه را اضلاع می‌نامند.

**عرض مربع:** عبارت است از ضلعی که گذر می‌کند از سمت راست کاتب به سمت چپ او و بر هر یک از خطوط موازی آن نیز، عرض گفته می‌شود.

**طول مربع:** عبارت است از ضلع عبور کننده از جلوی کاتب تا پشت او و به خط موازی آن نیز، طول گفته می‌شود.

گروهی گفته‌اند: [در واقع] طول و عرض در مورد مربع، قابل تعیین نیست لذا آنچه که ابتدا از مربع فرض شود طول مربع خواهد بود خواه از سمت راست کاتب به سمت چپ او بگذرد و به عکس یا از جلوی کاتب تا پشت سر کاتب بگذرد و به عکس و آنچه در بار دوم فرض شود عرض مربع خواهد بود.

**خانه‌های مربع:** مربع‌های کوچکی هستند که از تقسیم شدن هر ضلع به قسمت‌هایی با تعداد مساوی، به دست می‌آیند. در حالی که هر خط مستقیم از هر قسمت ضلع خارج می‌شود تا سمت روبروی ضلع مقابلش، پس اگر ضلع به سه قسمت تقسیم شود به آن مربع سه در سه گفته می‌شود و اگر ضلع به چهار قسمت تقسیم شود به آن مربع چهار در چهار می‌گویند و به همین ترتیب، هر مربعی به تعداد قسمت‌هایش نامگذاری می‌شود.

**سطر طولی:** خانه‌هایی است که بین دو خط طولی متوالی واقع شده‌اند.

**سطر عرضی:** خانه‌هایی است که بین دو خط عرضی متوالی واقع شده‌اند.

**صلیب:** خانه وسط هر ضلع تا خانه وسط روبروی ضلع مقابل است.

**رأس صلیب:** خانه وسط ضلع است و غالباً به آن صلیب هم گفته می‌شود.

**صلیب ایمن (سمت راست):** خانه وسطی از ضلع سمت راست کاتب تا خانه وسطی از ضلع مقابل که سمت چپ کاتب است.

**[صلیب ایسر (سمت چپ)]:** ولی هرگاه [این خانه] از وسط ضلع سمت چپ بگذرد و تا وسط ضلع سمت راست امتداد یابد به آن، صلیب ایسر می‌گویند.

**صلیب اعلی (بالا تر):** خانه وسطی از ضلع سمت جلوی کاتب تا خانه وسطی از ضلع مقابل است.

**صلیب اسفل (پایین تر):** اگر عمل قبلی بر عکس باشد به آن صلیب اسفل گویند.

**وسط مربع:** خانه‌ای مشترک بین صلیب ایمن و ایسر و بین [صلیب] اعلی و اسفل است. و این خانه در مربع فرد، یکی و در مربع زوج، چهار تاست.

ضمناً به خانه وسط مربع فرد، «مرکز» می‌گویند و به خانه زیر آن، «تحت مرکز» و به خانه بالای آن، «فوق مرکز» و به خانه سمت راست آن، «ایمن مرکز» و به خانه سمت چپ آن، «یسار مرکز» گویند.

**خانه فرزین (وزیر):** خانه‌ای که زاویه‌اش بر همان سمت زاویه خانه آخر است که کنار او واقع است لذا به هر یک از آنها، نسبت به خانه آخری [خانه فیل و خانه اسب] می‌گویند.



**خانه فیل:** خانه‌ای است که زاویه‌اش در جهت زاویه خانه آخر باشد [به شرطی که] یک خانه بین آن دو، فاصله باشد (خانه‌های مورب و یک در میان).

**خانه فرس (اسب):** خانه‌ای که در ادامه [خانه] فرزین است و ضمناً زاویه‌اش مقابل زاویه [خانه] فرزین آن است و در سطر آن نیست (خانه‌ای که با شروع از خانه‌ای خاص به صورت حرکت اسب در شطرنج شبیه حرف L).

**طرف قطر:** خانه‌ای که زاویه مربع در آن وجود داشته باشد (خانه‌های چهار گوشه مربع).  
**قطر:** خانه‌ای که زاویه مربع در آن باشد تا خانه مقابل که در آن زاویه دیگری بر اساس حرکت فرزین است.

**قطر اول:** خانه بالایی سمت راست است که در آن زاویه مربع باشد تا خانه مقابل که زاویه دیگری برای آن دارد. بالایی این دو خانه را **رأس قطر اول** و پایینی را **پای قطر اول** می‌نامند.

**قطر دوم:** خانه بالایی سمت چپ که در آن زاویه مربع است تا خانه پایینی سمت راست که در آن زاویه دیگری وجود دارد. سمت چپی این دو خانه را **رأس قطر دوم** و سمت راستی را **پای قطر دوم** می‌نامند.

**دور:** مجموع چهار سطری است که در آن، اطراف و جهات چهارگانه قطرها وجود دارد (چهار سطر و ستون اطراف مربع).

**وفق:** [تعریف‌های مختلفی برای وفق بیان شده است از جمله:]

گفته شده، آن چیزی است که به دست می‌آید از جمع عددهایی که نهاده شده در سطری از سطرهای طولی و عرضی، اگر مساوی باشد با آنچه که به دست می‌آید از جمع عددهایی که نهاده شده در هر یک از سطرهای باقیمانده، و همچنین مساوی باشد با حاصل جمع اعداد نهاده شده در هر یک از دو قطر مربع که البته سومی برای آن وجود ندارد. به چنین وقتی، **وفق تام** گویند و در غیر این صورت به آن **وفق مطلق** می‌گویند.

و گفته شده: وفق آن است که مساوی باشد با هر یک از دو قطر و سطرهای باقیمانده [و این وفق دو نوع است، وفق طبیعی و غیرطبیعی].

**وفق طبیعی:** وقتی است که در مربع، [اعداد] از یک الی آخر قرار داده شده باشد و اگر خلاف آن صورت گیرد **وفق غیرطبیعی** خواهیم داشت.

[البته وفق طبیعی هم بر دو نوع است: ۱- تام، ۲- غیر تام.]

**وفق طبیعی تام:** اگر از مربع، یک دور حذف شود، مربع دیگری باقی می‌ماند که دارای وفق است و حتی اگر باز هم دوری از آن حذف شود باز مربع دوم هم وفق دارد و همین‌طور ادامه بده تا برسد در [وفق] فرد، به یک خانه و در [وفق] زوج، به چهار خانه.



وفق طبیعی غیر تام: به خلاف بالایی است و حتی بعضی وفق تام بالایی را وفق مطلق نامگذاری کرده‌اند و به [وفق] غیر تام، مُسمط گفته‌اند.

لوح: مربع مملو از اعداد است.

واسطه: عددی که در وسط مربع قرار گرفته است.

عدد مبدأ (عدد آغاز): عددی که با آن [مربع وفقی] شروع می‌شود.

عدد منتهی (عدد پایانی): عدد آخر [مربع] است و آن دو را [دو عدد] قرین هم می‌نامند.

اعداد صغار (اعداد کوچک‌تر): اعدادی که از مبدأ تا آنچه در وسط [مربع] است قرار گرفته‌اند (اعداد کوچک‌تر از عدد وسط).

اعداد کبار (اعداد بزرگ‌تر): آنچه که از عدد وسط مربع (واسطه) تا عدد پایانی (منتهی) قرار گرفته‌اند (اعداد بزرگ‌تر از عدد وسط).

اعداد اقصی (اعداد نهایی): عددی که از حاصل جمع اعداد قرار گرفته در خانه‌های مربع به دست می‌آید.

[عدد] فرد مطلق: عددی که اگر یک از آن کاسته شود [عدد] زوجی از آن باقی می‌ماند که نصفش نیز زوج است مانند عدد ۵ و به آن فرد اول نیز گفته می‌شود.

[عدد] فرد الفرد: عددی که اگر یک از آن کاسته شود زوجی از آن باقی می‌ماند که نصفش زوج نیست مانند عدد ۳ و به آن فرد دوم نیز گفته می‌شود و آن دو [عدد] دو نوع [عدد] فرد هستند و آن عددی است که نصفش عدد صحیح نیست.

[عدد] زوج الفرد: عددی که نصف صحیح آن، فرد است مانند ۶ و سخن ما به آن نزدیک است که گوئیم: عددی است که نصف کردن صحیح را فقط یک بار می‌پذیرد و این که گوئیم: عددی که نصف صحیحش، دارای نصف صحیح نیست.

[عدد] زوج الزوج: عددی که نصف صحیحش دارای نصف صحیح است و به عبارت دیگر، عددی که بیش از یک بار، نصف صحیح را بپذیرد یا عددی که نصف صحیحش، زوج است مانند ۴ و آن دو نوع زوج است:

یکی آن عددی است که نصف صحیح دارد و اگر بپذیرد عددی را که پذیرفته نصف صحیح شدن را بیش از یک بار تا پایان نصف شدنش تا برسد به عدد یک که در آن صورت زوج الزوج است مانند عدد ۴ و اگر تا پایان ادامه نیابد (در عمل نصف شدن در پایان به عدد یک نرسد) مانند ۱۲، آن زوج الزوج و الفرد است.

تذنیب: هرگاه، می‌خواهی وفق طبیعی هر مربعی را بیایی، مجموع دو قرینه را در نصف ضلع آن مربع ضرب کن پس آنچه بدست می‌آید همان وفق است پس در مربع سه [در سه] اگر ۱۰ را در



نصف ۳ ضرب کنی ۱۵ به دست می آید. و این همان وفق طبیعی آن است.

شاید بگویی که چرا وقتی این گونه عمل کنیم وفق به دست می آید؟ در جواب می گویم: چون وفق، گونه ای است از تمام اعداد داخل خانه های مربع که تقسیم شده اند بر قسمت های مساوی بر اساس تقسیم بندی ضلع. و همچنین در کتاب های حساب بیان شده که وقتی می خواهی مجموع اعدادی که بر نظم طبیعی واقع شده اند را بشناسی؛ عدد یک که مبدأ آن اعداد است با عدد آخری جمع می شود و [حاصل جمع] این دو تا در نصف عدد آخری ضرب می شود. پس آنچه حاصل می شود همان مطلوب است. و نیز گفته اند (در کتاب های حساب) که حاصل ضرب هر عدد در نصف مربع برابر و مساوی با [مجموع] حاصل ضرب های آن عدد در نصف ضلع آن مربع به دفعات زیاد به تعداد قسمت های آن ضلع است.

پس معلوم شد که اگر دو قرینه را در نصف ضلع مربع بارها به حسب تقسیم بندی آن ضلع، ضرب نماییم؛ عددی به دست می آید که مجموع اعداد نهاده شده در مربع است و اگر آن دورا در نصف ضلع آن مربع یک بار ضرب کنیم، آنچه به دست می آید گونه ای است از مجموع اعداد نهاده شده [در مربعی] تقسیم شده به اقسام متساوی با قسمت های آن ضلع مربع و تنها و تنها به این می توان نام وفق نهاد و بس.

**مقاله دوم: درباره چگونگی قرار دادن اعداد در مربع فرد است که در دو فصل می آید:**

**فصل اول: درباره چگونگی قرار دادن اعداد است به روش وفق تام:**

هرگاه مربع  $3 \times 3$  باشد:

**روش اول:** عدد یک را در صلیب ایمن یا ایسر یا اعلی یا اسفل می گذاریم. سپس عدد ۲ را در پای قطر اول و عدد ۳ را در صلیب اعلی و ۴ را در رأس قطر دوم قرار می دهیم یا عدد ۲ را در رأس قطر دوم و عدد ۳ را در صلیب اسفل و عدد ۴ را در پای قطر اول می گذاریم.

**روش دوم:** ۲ را در پای قطر دوم و ۳ را در صلیب اعلی و ۴ را در رأس قطر اول قرار می دهیم یا ۲ در رأس قطر اول و ۳ را در صلیب اسفل و ۴ را در پای قطر دوم می گذاریم.

**روش سوم:** ۲ را در پای قطر دوم و ۳ را در صلیب ایسر و ۴ را در پای قطر اول قرار می دهیم یا ۲ را در پای قطر اول و ۳ را در صلیب ایمن و ۴ را در پای قطر دوم می گذاریم.

**روش چهارم:** ۲ را در رأس قطر دوم و ۳ را در صلیب ایمن و ۴ را در پای قطر اول می گذاریم یا ۲ را در رأس قطر اول و ۳ را در صلیب ایسر و ۴ را در رأس قطر دوم قرار می دهیم.

سپس ۵ در وسط گذاشته می شود؛ در این هنگام، اعداد صغار به پایان می رسند و نوبت به قرار دادن اعداد کبار می رسد؛ به این صورت که به اعداد صغار، کاهشی همان طور که بیان شد رجوع

می‌شود و اعداد کبار هر کدامشان به ترتیب در مقابل آن صغار قرار می‌گیرند. در نتیجه ۶ در مقابل ۴ و ۷ در مقابل ۳ و ۸ در مقابل ۲ و ۹ در مقابل ۱، واقع می‌شوند. پس به هر یک از این هشت<sup>۱</sup> روش عمل کنیم مربع چنین خواهد شد.

۴	۳	۸
۹	۵	۱
۲	۷	۶

وفق آن ۱۵

اگر غیر آن عمل کنی، ۱ را در صلیب ایمن می‌گذاری و ۲ را در خانه‌ای که زیر آن آمده است و بدین صورت قرار می‌دهی به صورت مرتب تا پای قطر دوم و هر آنچه نوبت به او می‌رسد در پای قطر اول می‌گذاری. سپس قرار می‌دهی قرین او را در صلیب اسفل در حالی که چیزی در آن نباشد. سپس آنچه نوبت به او رسیده را قرار می‌دهی در صلیب اعلی؛ سپس قرار می‌دهی در خانه‌ای که در ادامه صلیب ایسر بالای آن آمده تا طرف قطر دوم و در آن قرار می‌دهی. سپس قرار می‌دهی در خانه‌ای که در ادامه صلیب اعلی می‌آید تا طرف قطر اول و در آن قرار داده نمی‌شود پس در آن هنگام پایان می‌پذیرد نصف دور اول پس منتقل می‌شود به دور دوم و نصف آن کاسته می‌شود به این روش. سپس منتقل می‌شود به دور سوم و نصف آن کاسته می‌شود و همین طور ادامه می‌یابد تا می‌رسد به مربع  $3 \times 3$  که در آن اعداد، کاسته می‌شوند و حاصل می‌شود قرار یافتن اعداد در نیمه‌های دورهای خالی تا کاهشی برگردند در اعدادی که قرار گرفته‌اند در نصف هر دور به ترتیب مذکور. و قرار می‌دهی اعداد باقی مانده را به صورت قرینه در مقابلشان طبق آنچه آموختی در مربع  $3 \times 3$  تا خانه‌های آن نیمه‌ها هم پر گردند.

و در بعضی از کتاب‌های این فن آمده است که: قاعده و قانون در تمام نمودن نیمه‌های دورهای باقیمانده این است که به مربع عدد قسمت‌های ضلع یک را اضافه می‌کنی و از آن هر یک از آن اعداد قرار داده شده را می‌کاهی پس آنچه می‌ماند قرار می‌دهی در مقابل آن از خانه‌های خالی و قاعده بالا راحت تر و بهتر است چنان که بر هر کسی که دقت و تأمل داشته باشد پنهان نیست. پس وقتی می‌خواهیم اعداد را در مربع  $5 \times 5$  و  $7 \times 7$  قرار دهیم اگر به همان طریق بالا عمل کنیم دو شکل زیر حاصل می‌شود.

۱. هر یک از روش‌های اول تا چهارم در واقع دو حالت دارند.

۷	۲۲	۵	۸	۲۳
۶	۱۲	۱۱	۱۶	۲۰
۲۵	۱۷	۱۳	۹	۱
۲۴	۱۰	۱۵	۱۴	۲
۳	۴	۲۱	۱۸	۱۹

وفق آن ۶۵

۱۰	۴۵	۴۴	۷	۱۱	۱۲	۴۶
۹	۱۹	۳۴	۱۷	۲۰	۳۵	۴۱
۸	۱۸	۲۴	۲۳	۲۸	۳۲	۴۲
۴۹	۳۷	۲۹	۲۵	۲۱	۱۳	۱
۴۸	۳۶	۲۲	۲۷	۲۶	۱۴	۲
۴۷	۱۵	۱۶	۳۳	۳۰	۳۱	۳
۴	۵	۶	۴۳	۳۹	۳۸	۴۰

وفق آن ۱۷۵

### فصل دوم: در بیان توزیع اعداد به روش وفق غیر تام

ضابطه آن چنین است که اگر یک در یکی از خانه‌های چهارگانه که به آنها یمین المرکز و یسار المرکز و فوق المرکز و تحت المرکز گفته می‌شود قرار گیرد یعنی خانه‌ای که می‌خواهیم و عدد ۲ در یکی از خانه‌های چهارگانه فرزین قرار داده شود. یعنی خانه‌ای که می‌خواهم جدا از فرزین واقع در سطر مرکز باشد. اگر خانه فرزین نبود، در سطری که فرزین او می‌طلبد قرار خواهد گرفت. [یعنی] در خانه‌ای که نسبت به فرزینش، دورترین خانه است.

سپس اعداد باقیمانده به ترتیب از سمت راست در خانه‌های فرزین قرار خواهند گرفت اگر ۲ در فرزین سمت راست باشد؛ و از سمت چپ اگر در فرزین سمت چپ قرار گیرند.

و شایسته است که فوقانی و تحتانی نیز رعایت شود. پس اگر ۲ در فرزین فوقانی باشد به این صورت اعداد باقیمانده در خانه‌های فرزین فوقانی قرار خواهند گرفت و اگر ۲ در فرزین تحتانی باشد به همان صورت آن اعداد در خانه‌های تحتانی قرار خواهند گرفت.

هرگاه فرزین موجود نباشد عددی که نوبت به او می‌رسد در سطری قرار خواهد گرفت که طالب آن باشد، در خانه‌ای که دورترین خانه‌ها نسبت به آن عدد در خانه مشترک است بین او و

سطری که در آن غیر گذر به مرکز است. نیز قرار می‌گیرد آنچه بعد از عددی است که می‌پذیرد مثلاً یک ضلع یا دو ضلع یا سه ضلع به بالا در سطری که قرار گرفته در سمت مطلوب یعنی در خانه‌ای که بالای آن است اگر آنچه بعد از خانه فیل است بالای ۳ یا زیر ۳ باشد.

آنچه بعد از فیل زیر آن باشد ناگزیر یا در آن فاصله هست یا نیست: اگر فاصله بین خانه فیل و خانه بعدش دو خانه باشد دو خانه، بدین ترتیب اگر در آن سطر در سمت مطلوب خانه‌ای نباشد. آنچه بعد از خانه فیل اوست، مثلی در آن خواهد بود که فرض می‌شود که خانه فیل او با آن چیزی است که در سمت مطلوب است و واقعند بر اساس این سطر از سمت مخالف جانب مطلوب. اکنون به مابعدش دقت کنید که خانه‌اش کجاست تا در آن قرار گیرد و برای توضیح آن دو مربع  $3 \times 3$  و  $5 \times 5$  را ساختیم.

بدان که در مربع  $3 \times 3$  اگر اعداد به روش وفق تام در آن قرار گیرند مشابه حالتی است که اعداد به روش وفق غیرتام در آن قرار بگیرند تا آنجا که وقتی ناظر آن را ببیند نمی‌فهمد که او در آن به روش وفق تام عمل کرده یا به روش وفق غیرتامی که بیان شد بلکه ادعا می‌کند که این دو قاعده در مربع  $3 \times 3$  یک قاعده‌اند و تنها تفاوت در عبارت است.

پس لازم می‌آید تکرار در معنای هر دو قاعده در قراردادن اعداد در مربع فرد به روش وفق تام و به روش وفق غیرتام، جدای از این که از دو قاعده، چنان یاد شده که هر یک از آن دو بر این تفصیل شامل مربع  $3 \times 3$  می‌شوند یا این که داریم تا برسد مربع  $3 \times 3$  و قرار گیرد قاعده وفق غیر تام به نحوی که شامل آن شود یا به عکس مانند جدول زیر.

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

وفق آن ۱۵

۱۱	۴	۱۷	۱۰	۲۳
۲۴	۱۲	۵	۱۸	۶
۷	۲۵	۱۳	۱	۱۹
۲۰	۸	۲۱	۱۴	۲
۳	۱۶	۹	۲۲	۱۵

وفق آن ۶۵

## مقاله سوم: در بیان قرار گرفتن اعداد در مربع زوج الفرد

ما در قرار دادن اعداد در آن مربع و مربع زوج الزوج به روش [خاص] آن نیازمندیم زیرا دور اول آن مربع، زوج الفرد است و دور دوم آن مربع، زوج الزوج است و دور سوم آن، زوج الفرد است و به همین ترتیب الی آخر. دور اول مربع زوج الزوج، زوج الزوج است و باقیمانده آن زوج الفرد است و سومی آن زوج الزوج است و چهارمی آن زوج الفرد و به همین طریق تا پایان دوره‌ها ادامه می‌یابند و ناگزیریم در هر دو نصف اعداد را با همان روش خاص آن قرار دهیم و روش قرار دادن آن‌ها در مربع زوج الفرد چنین است.

۱ را در رأس قطر اول قرار می‌دهیم و ۲ را در خانه غیر قطر سطر پایانی طولی و ۳ را در خانه غیر قطر از سطر آخر عرضی و ۴ را در رأس قطر دوم و ۵ را در خانه غیر قطر از سطر پایانی عرضی و ۶ را در خانه غیر قطر اول طولی و ۷ را در خانه غیر قطر پایانی عرضی و ۸ را در خانه غیر قطر اول طولی و ۹ را در خانه غیر قطر پایانی طولی و ۱۰ را در خانه اول عرضی. در این هنگام، نصف دورها می‌رسند اگر مربع  $6 \times 6$  باشد که اولین مربع زوج الفرد است. پس منتقل می‌شود به دور دوم که زوج الفرد است و در آن نهاده می‌شود به روشی که خواهیم گفت. سپس بر می‌گردد و قرار داده می‌شود در خانه‌های خالی، طبق آنچه گفتیم و گاهی هم اعداد در مربع  $6 \times 6$  به روش دیگری قرار داده می‌شوند یعنی اگر اضلاع دو قسمت شوند چهار مربع کوچک به دست می‌آید که هر کدام از آنها مربع  $3 \times 3$  هستند. لذا نقطه می‌گذاریم در هر مربعی که زیاد گردد در خانه اولش از سطر طولی یا عرضی اش بدین شکل، و مربع کوچک در خانه دومش بر همین شکل و صلیب در خانه سوم آن بدین شکل.

۴	۳۴	۳۲	۳۰	۱۰	۱
۲	۱۸	۲۱	۲۴	۱۱	۳۵
۲۹	۲۳	۱۲	۱۷	۲۲	۸
۹	۱۳	۲۶	۱۹	۱۶	۲۸
۳۱	۲۰	۱۵	۱۴	۲۵	۶
۳۶	۳	۵	۷	۲۷	۳۳

وفق آن ۱۱۱

سپس هر یک از آن دو در بیت فرزین تکرار می‌شوند تا مربع به اتمام برسد. پس اگر [خانه فرزین] نبود دور سطر فرزین در خانه‌ای می‌گذاریم که نسبت به آن دورترین خانه است. سپس آن مربع تطبیق داده می‌شود بر مربعی که بالایش یا پایینش یا راست و چپش می‌آید و اصفار و نقطه‌ها و صلیب‌ها قرار داده می‌شوند. سپس دومی تطبیق داده می‌شود بر مربعی که همان‌گونه می‌آید و در آن

فقط صلیب و نقطه قرار داده می‌شود سپس سومی تطبیق داده می‌شود بر مربع قطره‌هایی که دارد و فقط در آن نقطه قرار داده می‌شود.

سپس شروع می‌شود از زاویه مربعی که فقط نقطه در آن است و خانه‌های مربع بزرگ طولی یا عرضی به شمار می‌آیند پس هرگاه به خانه‌ای می‌رسند که در آن نقطه است در آن عددی قرار داده می‌شود که به اعتبار جایش می‌باشد تا آنجا که عددها به اتمام برسند سپس شروع می‌کنی از زاویه‌ای که مقابل مبدأ است یا اینکه مطابق تعداد اول طولی و عرضی، خانه‌های مربع را می‌شماری. هرگاه برسی به یک خانه خالی از عدد و علامت به اعتبار حاکمش در آن قرار می‌دهی تا تعداد تمام شود.

سپس شروع می‌شود از زاویه مربعی که مثل آن فقط نقطه‌های کوچکند و به شکل مذکور، اعداد در خانه‌های کوچک قرار می‌گیرند. سپس شروع می‌شود از زاویه‌ای که مبدأ با این مربع روبرو می‌شود و اعداد قرار می‌گیرند در خانه‌های دو صلیب و هرگاه فراموش کردی، چیزی از آنچه را که بیان کردیم نگاه کن به این دو مربع.

۱	۳۰	۲۴	۱۳	۱۲	۳۱
۳۵	۸	۲۳	۱۷	۲۶	۲
۳۴	۲۸	۱۵	۲۱	۹	۴
۳	۲۷	۱۶	۲۲	۱۰	۳۳
۳۲	۱۱	۱۴	۲۰	۲۹	۵
۶	۷	۱۹	۱۸	۲۵	۳۶

وفق آن ۱۱۱

-			*		-
	-			-	*
		-	-	*	
۵		-	-	*	۵
	-	۵	۵	-	*
-	۵		*	۵	-

از تعداد ضلع ۶ تا کم نمی‌شود پس آنچه می‌ماند به تعداد یک چهارم خانه‌های سطر اول طولی پُر می‌شود سپس به تعداد نصف آن، خانه‌های طولی پایانی پُر می‌شود. سپس به تعداد یک چهارم



خانه‌های طولی اولی پر می‌شود سپس به تعداد یک چهارم خانه‌های عرضی اول پر می‌شود. سپس به تعداد نصف آن، خانه‌های پایانی عرضی و سپس به تعداد یک چهارم خانه‌های عرضی اول پر می‌شوند. در این هنگام نصف دور به اتمام می‌رسد و البته باید در تمام آن موارد عددی در مقابل عدد دیگر قرار نگیرد.

و در مربع  $10 \times 10$  اگر به طریق مذکور عمل کنیم به همین صورت درست می‌شود سپس منتقل می‌شود به دور دوم و نصف آن با روش خاص پر می‌شود سپس به دور سوم کشیده می‌شود و نصفش پر می‌شود و به همین صورت ادامه می‌یابد تا به انتها برسد. سپس بر می‌گردد و خانه‌های خالی را طبق آنچه گفتیم پر می‌کند.<sup>۱</sup>

۴	۱۰	۸۳	۱۷	۱۶	۸۶	۹۴	۹۶	۹۸	۱
۲	۲۱	۷۳	۲۷	۲۶	۷۶	۷۹	۸۲	۲۰	۹۹
۹۵	۲۳	۳۶	۴۲	۶۲	۶۴	۶۶	۳۳	۷۸	۶
۹۳	۷۷	۳۴	۵۰	۵۳	۵۶	۴۳	۶۷	۲۴	۸
۹۰	۷۲	۶۳	۵۵	۴۴	۴۹	۵۴	۳۸	۲۹	۱۱
۱۲	۳۰	۶۱	۴۵	۵۸	۵۱	۴۸	۴۰	۷۱	۸۹
۱۳	۳۱	۴۱	۵۲	۴۷	۴۶	۵۷	۶۰	۷۰	۸۸
۸۷	۶۹	۶۸	۵۹	۳۹	۳۷	۳۵	۶۵	۳۲	۱۴
۹	۸۱	۲۸	۷۴	۷۵	۲۵	۲۲	۱۹	۸۰	۹۲
۱۰۰	۹۱	۱۸	۸۴	۸۵	۱۵	۷	۵	۳	۹۷

وفق آن ۵۰۵

## مقاله چهارم در بیان نحوه قرار دادن اعداد در مربع زوج الزوج است و در آن دو فصل است:

**فصل اول: در بیان قرار گرفتن اعداد به روش وفق تام است.**

هرگاه مربع، مربع چهار [در چهار] که اولین مربع زوج الزوج است باشد پس روش آن این است که ۱ در رأس قطر اول قرار می‌گیرد و ۲ در خانه اسب آن یعنی خانه سوم از سطر عرضی دوم و ۳ قرار می‌گیرد در فرزین اسب یعنی چهارمی از سطر سوم عرضی و ۴ قرار می‌گیرد در اسب عدد ۳ یعنی

۱. این جدول در نسخه آستان قدس مغشوش و با اعداد تکراری و اشتباه است و وفقش در اکثر سطرها متفاوت و غلط است. در نسخه‌های دیگر فقط چند عدد آن نگاشته شده یا اصلاً وجود ندارد. این وفق از روی کتاب کنه المراد فی علم الوفق الاعداد شرف‌الدین علی یزدی (د ۸۵۸ق) که دقیقاً با شرایط متن رساله مطابقت دارد اخذ شده است.



خانه دوم از سطر عرضی آخر و ۵ قرار می‌گیرد در خانه سوم از سطر عرضی آخر و ۶ قرار می‌گیرد در اسب ۵ که منظورم خانه سوم سطر طولی اول است و ۷ قرار می‌گیرد در فرزین ۶ که منظورم خانه دوم از سطر عرضی دوم است و ۸ قرار می‌گیرد در رأس قطر دوم و در این هنگام نصف خانه‌های مربع به پایان می‌رسد. پس به صورت کاهشی به همان ترتیب یاد شده به اعداد قرارگرفته شده باز می‌گردد و اعداد باقیمانده به ترتیب در خانه‌های فیل آن قرار داده می‌شوند تا همه خانه‌ها را پر کند (یعنی ۹ در خانه فیل ۸ و ۱۰ در خانه فیل ۷ و ۱۱ در خانه فیل ۶ و ۱۲ در خانه فیل ۵ و ۱۳ در خانه فیل ۴ و ۱۴ در خانه فیل ۳ و ۱۵ در خانه فیل ۲ و ۱۶ در خانه فیل ۱ قرار می‌گیرند) و وفق بدین صورت حاصل می‌شود.

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

وفق آن ۳۴

**هشدار:** بین ماهرین این فن مشهور است که قرار گرفتن اعداد در مربع ۴ ممکن است به شیوه‌های گوناگون انجام شود تا آنجا که به چهار هزار برسد و بعضی از اهل فن آن را محال می‌شمرند. در بیان امکان آن گفته شده است که این مربع ۱۶ خانه دارد و در هر خانه‌ای از آن می‌توان ۱ را قرار داد پس هرگاه مثلاً یکی از آنها در رأس قطر اول قرار داده شود، امکان دارد که ۲ در هر یک از خانه‌های پانزده‌گانه قرار گیرد و ۳ در تمام خانه‌های چهارده‌گانه.

هرگاه ۱۵ را در ۱۴ ضرب کنیم، ۲۱۰ به دست می‌آید، در بین انواع مختلف از ۱ تا ۳ و ۴ در هر یک از خانه‌های سیزده‌گانه. پس هرگاه مبلغ مذکور را در آن ضرب کنیم ۲۷۳۰ به دست می‌آید و آن [عبارت است از] انواع قرار دادن اعداد ۱ و ۲ و ۳ و ۴.

هرگاه این مبلغ را در ۱۲ ضرب کنیم که اوضاع پنج‌گانه است، ۳۲۷۶۰ به دست می‌آید و [آن عبارت است از] انواع مختلف قرار دادن اعداد ۱ تا ۵ در مربع چهار [در چهار] به طوری که ۱ در رأس قطر اول قرار گیرد.

پس، از آنچه ذکر کردیم، احکامش ظاهر شد که مخالفانی هم دارد، زیرا دلیل بیان شده نه تنها بر امکان قرار دادن اعداد در مربع چهار [در چهار] به این روش‌ها، بلکه بیشتر از این‌ها دلالت می‌کند در حالی که هدف مکان وضع آنها در آن است بر این روش‌ها به وجهی که اعداد سطر، مساوی باشد با اعداد هر سطر از سطرهای باقیمانده و دو قطر و آن بر او دلالت نمی‌کند.

و همان‌طور که مخفی نیست به آنچه او دلالت کرد دلیل گفته نمی‌شود، این دلیل است بر امکان

قرار دادن اعداد از ۱ تا ۵ ضرب در ۱۰۰ که ارتقا می‌یابد تا ۳۲۷۶۰ با قرار گرفتن ۱ در طرف قطر اول، پس مدعی را دلالت می‌کند از امکان قرار گرفتن اعداد ۱۶ گانه در مربع ۴ [در چهار] بر وجهی که وفق تاکنون موجب آن می‌شود تا ۴۰۰۰ بدون قید کردن اینکه ۱ در رأس قطر اول قرار بگیرد زیرا می‌گوییم این در مقام استدلال به صورت یقینی قابل قبول نیست، چرا که فقط مطلق ظن را می‌رساند. اگر متامل صدوق، انصاف بدهد و هرگاه غیر مربع چهار [در چهار] باشد، ضابطه در آن این است که ۱ در خانه غیر قطر عرضی آخر قرار گیرد و ۲ در رأس قطر اول و ۳ در رأس قطر دوم و ۴ در خانه غیر قطر عرضی آخر و ۵ در خانه غیر قطر طولی آخر و ۶ در خانه غیر قطر طولی اول. سپس ۴ کاسته می‌شود از عدد قسمت‌های ضلع، و آنچه باقی می‌ماند، خانه‌ها را پر می‌کند به تعداد یک چهارم و یک دوم آن و یک چهارم آن به تعداد یک چهارم آن و یک دوم و یک چهارم عیناً بر همین قیاس که در زوج الفرد آموختی. در این هنگام نصف دور به اتمام می‌رسد، پس به دور دیگر منتقل می‌شود و در نصف آن قرار می‌گیرد تا جایی که منتهی می‌شود به مربع چهار [در چهار]، پس به طریق مذکور قرار داده می‌شود. سپس برمی‌گردد و خانه‌های خالی نصفه‌های دورها را پر می‌کند چنان که گفته شد. در این هنگام مربع به اتمام می‌رسد و ما برای توضیح عمل مربع هشت [در هشت] را انجام دادیم، چنین درآمد.

۳	۱۴	۵۲	۵۳	۱۱	۶۱	۶۴	۲
۵	۱۸	۲۴	۴۴	۴۶	۴۸	۱۵	۶۰
۵۹	۱۶	۳۲	۳۵	۳۸	۲۵	۴۹	۶
۵۸	۴۵	۳۷	۲۶	۳۱	۳۶	۲۰	۷
۸	۴۳	۲۷	۴۰	۳۳	۳۰	۲۲	۵۷
۹	۲۳	۳۴	۲۹	۲۸	۳۹	۴۲	۵۶
۵۵	۵۰	۴۱	۲۱	۱۹	۱۷	۴۷	۱۰
۶۳	۵۱	۱۳	۱۲	۵۴	۴	۱	۶۲

وفق آن ۲۶۰

### فصل دوم: در بیان قرار دادن اعداد به روش وفق غیر تام

هرگاه مربع چهار [در چهار] باشد قاعده‌اش این است که ۱ در خانه‌ای از خانه‌های چهارگانه‌ای قرار گیرد که به آن‌ها راس قطر اول و پای (رجل) آن و راس قطر دوم و پای آن (یعنی خانه‌ای که زیاد شده است) گفته می‌شود و از آن خانه شمارش می‌شوند خانه‌ها، در سطرهای طولی از بالا به پایین. اگر ۱ در رأس قطر اول و دوم قرار گیرد و به عکس اگر در پای قطر اول یا دوم یا عرض آن قرار گیرد، از راست تا چپ. اگر ۱ در رأس قطر اول یا پای قطر دوم قرار گیرد و به عکس.

اگر در رأس [قطر] دوم و پای [قطر] اول قرار گیرد خانه‌ای که در آن قطر واقع می‌شود، پس در آن، عدد به اعتبار حالش قرار داده می‌شود و در غیر آن قرار داده نمی‌شود. و هنگامی که خانه‌های دو قطر پر می‌شود فرض می‌کند خانه‌ای را که آخرین عدد آن ۱ است و شمارش می‌شود از آن خانه‌ها، مطابق با تعداد اولشان در طول و عرض، در حالی که در جهت با آن مخالف است و اعداد آن در خانه‌های خالی به اعتبار حالاتشان گذاشته می‌شوند. پس هرگاه آن را به یک روش آن اعمال کنیم، شکل زیر به دست می‌آید:

۴	۱۴	۱۵	۱
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
۱۶	۲	۳	۱۳

وفق آن ۳۴

و هرگاه مربع‌های دیگری باشد، اصل در آن این است که به مربع‌های کوچکی تقسیم شود که هر یک از آنها مربع چهار [در چهار] هستند و ۱ قرار داده می‌شود در هر خانه‌ای که زیاد می‌شود از چهارخانه‌ای که [عبارتند از] راس قطر اول مربع مقسوم و پای آن و راس قطر دوم آن و پای آن و خانه‌ها از آن شمارش می‌شوند در سطرهای طولی از بالا به پایین یا به عکس و در عرض از راست به چپ یا به عکس؛ و قرار داده می‌شود در هر خانه‌ای که در قطر واقع می‌شود یعنی مربعی از مربع‌های کوچک عددی که به اعتبار حالش می‌باشد تا آنجا که عدد آخر نهاده می‌شود. سپس ۱ فرض می‌شود و کاهشی برمی‌گردد و خانه‌های خالی را همان گونه که گفته شد پر می‌کند و بعد از اتمام کار مثلاً مربع هشت [در هشت] به این شکل در می‌آید.

۱	۶۳	۶۲	۴	۵	۵۹	۵۸	۸
۵۶	۱۰	۱۱	۵۳	۵۲	۱۴	۱۵	۴۹
۴۸	۱۸	۱۹	۴۵	۴۴	۲۲	۲۳	۴۱
۲۵	۳۹	۳۸	۲۸	۲۹	۳۵	۳۴	۳۲
۳۳	۳۱	۳۰	۳۶	۳۷	۲۷	۲۶	۴۰
۲۴	۴۲	۴۳	۲۱	۲۰	۴۶	۴۷	۱۷
۱۶	۵۰	۵۱	۱۳	۱۲	۵۴	۵۵	۹
۵۷	۷	۶	۶۰	۶۱	۳	۲	۶۴

وفق آن ۲۶۰

و آن به این صورت است که مربع بر عددی تقسیم شود که او و خارج قسمت ۲ نباشد در نتیجه مربع‌های کوچکی به دست می‌آیند که در توافقند با تعداد قسمت‌های ضلعشان که با خارج قسمت تطابق دارند و اعداد آن مربعات بر وفق مربع مقسوم‌علیه هستند سپس مربع، مربع این عدد



مقسوم علیه فرض می شود. پس هر مربع آن نیز از خانه ای می شود که به منزله خانه ای از آن مربع مفروض است. پس پر می کند خانه های مربعی که به منزله خانه ۱ است به روش مخصوص آن مربع، سپس خانه های مربعی که برای آن به منزله ۲ است.

سپس خانه های مربعی که به منزله خانه ۳ هستند و همین طور تا به انتها برسد. مثلاً هرگاه مربع ۱۲ بر ۳ تقسیم شود حاصل می شود ۴. پس قسمت های ضلع هر یک از مربع های کوچک ۴ می شود و اعداد آن ۹ می شود. پس فرض می کنیم که مربع ۳ هستند سپس پر می شود خانه های مربع به منزله ۱ سپس پر می شود خانه های مربع به منزله ۲ و سپس خانه های مربع به منزله ۳ بدین ترتیب تا پر می شوند خانه های مربعی که به منزله ۹ هستند. سپس مربع اصلی این چنین می شود.<sup>۱</sup>

۵۶	۵۹	۶۲	۴۹	۴۰	۴۳	۴۶	۳۳	۱۲۰	۱۲۳	۱۲۶	۱۱۳
۶۱	۵۰	۵۵	۶۰	۴۹	۳۴	۳۹	۴۴	۱۲۵	۱۱۴	۱۱۹	۱۲۴
۵۱	۶۴	۵۷	۵۴	۳۵	۴۸	۴۱	۳۸	۱۱۵	۱۲۸	۱۲۱	۱۱۸
۵۸	۵۳	۵۲	۶۳	۴۲	۳۷	۳۶	۴۷	۱۲۲	۱۱۷	۱۱۶	۱۲۷
۱۳۶	۱۳۹	۱۴۲	۱۲۹	۷۲	۷۵	۷۸	۶۵	۸	۱۱	۱۴	۱
۱۴۱	۱۳۰	۱۳۵	۱۴۰	۷۷	۶۶	۷۱	۷۶	۱۳	۲	۷	۱۲
۱۳۱	۱۴۴	۱۳۷	۱۳۴	۶۷	۸۰	۷۳	۷۰	۶	۳	۱۶	۹
۱۳۸	۱۳۳	۱۳۲	۱۴۳	۷۴	۶۹	۶۸	۷۹	۱۰	۵	۴	۱۵
۲۴	۲۷	۳۰	۱۷	۱۰۴	۱۰۷	۱۱۰	۹۷	۸۸	۹۱	۹۴	۸۱
۲۹	۱۸	۲۳	۲۸	۱۰۹	۹۸	۱۰۳	۱۰۸	۹۳	۸۲	۸۷	۹۲
۱۹	۳۲	۲۵	۲۲	۹۹	۱۱۲	۱۰۵	۱۰۲	۸۳	۹۶	۸۹	۸۶
۲۶	۲۱	۲۰	۳۱	۱۰۶	۱۰۱	۱۰۰	۱۱۱	۹۰	۸۵	۸۴	۹۵

وفق آن ۸۷۰

۱. در نسخه آستان قدس به جای جدول متن که در سطر هفتم خطا دارد، این جدول آمده که صحیح است.

۲۴	۲۷	۳۰	۱۷	۱۰۴	۱۰۷	۱۱۰	۹۷	۸۸	۹۱	۹۴	۸۱
۲۹	۱۸	۲۳	۲۸	۱۰۹	۹۸	۱۰۳	۱۰۸	۹۳	۸۲	۸۷	۹۲
۱۹	۳۲	۲۵	۲۲	۹۹	۱۱۲	۱۰۵	۱۰۲	۸۳	۹۶	۸۹	۸۶
۲۶	۲۱	۲۰	۳۱	۱۰۶	۱۰۱	۱۰۰	۱۱۱	۹۰	۸۵	۸۴	۹۵
۱۳۶	۱۳۹	۱۴۲	۱۲۹	۷۲	۷۵	۷۸	۶۵	۸	۱۱	۱۴	۱
۱۴۱	۱۳۰	۱۳۵	۱۴۰	۷۷	۶۶	۷۱	۷۶	۱۳	۲	۷	۱۲
۱۳۱	۱۴۴	۱۳۷	۱۳۴	۶۷	۸۰	۷۳	۷۰	۳	۱۶	۹	۶
۱۳۸	۱۳۳	۱۳۲	۱۴۳	۷۴	۶۹	۶۸	۷۹	۱۰	۵	۴	۱۵
۵۶	۵۹	۶۲	۴۹	۴۰	۴۳	۴۶	۳۳	۱۲۰	۱۲۳	۱۲۶	۱۱۳
۶۱	۵۰	۵۵	۶۰	۴۹	۳۴	۳۹	۴۴	۱۲۵	۱۱۴	۱۱۹	۱۲۴
۵۱	۶۴	۵۷	۵۴	۳۵	۴۸	۴۱	۳۸	۱۱۵	۱۲۸	۱۲۱	۱۱۸
۵۸	۵۳	۵۲	۶۳	۴۲	۳۷	۳۶	۴۷	۱۲۲	۱۱۷	۱۱۶	۱۲۷

وفق آن ۸۷۰

### مقاله پنجم در کیفیت قرار دادن اسامی در آنها

مهارت رایج بر این است که اسامی را در مربع‌های چهار [در چهار] بگذارند [یعنی] یا اعداد به‌دست آمده از آنها طبق حساب جمل که وفق آن مربع باشد را در هر سطر آنها بگذارد یا حروف آنها در یک سطر و اعداد آنها در سطرهای باقیمانده نهاده می‌شود.

به طریق اول: چهار حالت ذکر شده است:

**حالت اول:** این که از مجموع ۳۰ تا کم می‌شود، سپس یک چهارم باقیمانده گرفته می‌شود و از آن آغاز می‌گردد و در مربع به روش مذکور در مربع چهار [در چهار] گذاشته می‌شود تا خانه‌ها پر شوند. از سوی دیگر هرگاه کسری نماند مانند حسن (که به حساب جمل ۱۱۸ است) پس بعد از کم کردن ۳۰ یک چهارم آن ۲۲ می‌شود. ما از آن شروع کردیم و آنها را در مربع نهادیم و کار را به انجام رساندیم که چنین است.

۲۹	۳۲	۳۵	۲۲
۳۴	۲۳	۲۸	۳۳
۲۴	۳۷	۳۰	۲۷
۳۱	۲۶	۲۵	۳۶

وفق آن ۱۱۸

و اگر کسری باقی بماند آن کسر یا یک چهارم ۴ (یعنی ۱) است یا نصف آن، یا سه چهارم آن که در حالت اول از یک چهارم آغاز می‌شود و بعد از کم کردن کسر از آن (مقدار آن ۱ است). اعداد به ترتیب طبق روش مذکور قرار داده می‌شوند تا می‌رسد به خانه ۱۳. پس یک اضافه می‌شود و هر عددی که نوبت آن می‌رسد در آن قرار داده می‌شود. سپس اعداد به ترتیب قرار داده می‌شود تا مربع پر شود و آن مانند اسم سلیمان (که به حساب جمل ۱۹۱ است) که بعد از کم کردن (مقدار ۱) حاصل ۱۹۰ می‌شود و سپس ۳۰ کم می‌شود و ۱۶۰ باقی می‌ماند) یک چهارم آن ۴۰ می‌شود و بعد از اتمام آن این چنین می‌شود.

۴۷	۵۰	۵۴	۴۰
۵۳	۴۱	۴۶	۵۱
۴۲	۵۶	۴۸	۴۵
۴۹	۴۴	۴۳	۵۵

وفق آن ۱۹۱

**در حالت دوم:** بعد از کم کردن کسر، از آن آغاز می‌شود و به ترتیب نهاده می‌شود تا می‌رسد به خانه نهم که زیاد می‌شود هر آنچه نوبت به آن می‌رسد و در آن قرار داده می‌شود سپس اعداد به



قرینه قرار داده می‌شوند تا مربع پر شود و آن مانند اسم محمد (به حساب جمل ۹۲ است) است که بعد از کم کردن، یک چهارم آن ۱۵٫۵ می‌شود و بعد از اتمام عمل چنین می‌شود.

۲۲	۲۶	۲۹	۱۵
۲۸	۱۶	۲۱	۲۷
۱۷	۳۱	۲۴	۲۰
۲۵	۱۹	۱۸	۳۰

وفق آن ۹۲

**حالت سوم:** به آنچه نوبت به او می‌رسد در خانه پنجم یک اضافه می‌شود و در آن قرار داده می‌شود و آن مانند اسم مبارک احمد است که مربع آن بعد از کم کردن  $۵\frac{۳}{۴}$  و مربع آن بعد از اتمام عمل این چنین می‌گردد.

۱۳	۱۶	۱۹	۵
۱۸	۶	۱۲	۱۷
۷	۲۱	۱۴	۱۱
۱۵	۱۰	۸	۲۰

وفق آن ۵۳

**روش دوم:** اعداد ۱ تا ۸ به طریق حرکت اسب و فرزین چنان که می‌دانی در مربع چهار [در چهار] قرار داده می‌شود. سپس چهارتای اولی یا چهارتای دومی انتخاب می‌شود ۱ و از هر یک از آنها ۱۷ کم می‌شود و مابقی در خانه فیل واقع می‌شود سپس ۱۷ از عدد [ابجد] حروف اسم کم می‌شود و باقیمانده محفوظ می‌شود و عدد خانه فیل از هر یک از خانه‌های خالی مانده کم می‌شود و بقیه نهاده می‌شوند و بعد از اتمام کار، مربع اسم مبارک احمد (که به حساب جمل ۵۳ است) به این نتیجه می‌شود.

۸	۳۰	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۳۱
۳	۱۶	۲۸	۶
۲۹	۵	۴	۱۵

وفق آن ۵۳

**روش سوم:** اعداد ۱ تا ۸ به ترتیب به طریق حرکت اسب و فرزین قرار می‌گیرند و سپس عدد حروف اسم به دو قسمت مختلف تقسیم می‌شوند. در هر سمت از چهارتای اولی از هر کدام از دو قسمت کم می‌شود و در خانه فیل آن نهاده می‌شود سپس هر یک از چهارتای دومی از قسمت دیگر

کم می‌شود و باقیمانده در خانهٔ فیل آن قرار می‌گیرد و بعد از پایان یافتن کار مربع آن اسم پر میمنت [احمد] چنین می‌شود.

۸	۲۷	۱۷	۱
۱۶	۲	۷	۲۸
۳	۱۹	۲۵	۶
۲۶	۵	۴	۱۸

وفاق آن ۵۳

**روش چهارم:** اعداد ۱ تا ۸ به همان شکل متداول نهاده می‌شوند و سپس هر یک از اعداد هشتگانه از نصف عدد [ابجد] اسم کسر می‌شوند و مابقی در خانهٔ فیل آن نهاده می‌شوند. این کار برای وقتی است که کسری باقی نمانده باشد، مانند اسم یونس (به حساب جمل ۱۲۶ است) پس اگر بدان عمل نماییم مربع آن بدین صورت خواهد بود:

۸	۵۷	۶۰	۱
۵۹	۲	۷	۵۸
۳	۶۲	۵۵	۶
۵۶	۵	۴	۶۱

وفاق آن ۱۲۶

بعد از کم کردن اگر کسری باقی ماند کسر کم شود و از خانهٔ ۱ تا ۵، عدد به باقیمانده اضافه می‌شود و مجموع نهاده می‌شود مانند اسم مبارک احمد و بعد از نهادن این چنین می‌شود:

۸	۲۰	۲۴	۱
۲۳	۲	۷	۲۱
۳	۲۶	۱۸	۶
۱۹	۵	۴	۲۵

وفاق آن ۵۳

**طریق دوم قرار دادن اسامی در خانه‌ها:**

این طریق هم مانند طریق اول چهار روش دارد:

**روش اول:** به این ترتیب که حروف اسم در سطر عرضی اول نهاده شوند سپس ۱ به عدد حرف اول یا آخر اضافه شود و نتیجه در خانهٔ اسب آن قرار گیرد. سپس ۱ به نتیجهٔ به‌دست آمده افزوده شود و نتیجه در خانهٔ فرزین اسب او نهاده شود و سپس ۱ به حاصل اضافه شود و حاصل در خانهٔ اسب او قرار گیرد. و در خانهٔ فرزین طبق روال گذشته از مربع ۴ نهاده شود سپس ۱ از عدد حرف اول کسر شود اگر بر عدد حرف آخر اضافه شود (و از حرف اول کسر شود) اگر بر عدد حرف اول اضافه شود

و قرار داده شود دومی در خانه اسب او سپس کسر می شود از باقیمانده و قرار داده می شود مابقی در فرزین اسب سپس از آن کم می شود. و در اسب او نهاده می شود به همان شکل رایج و سپس عدد حرف دوم جمع می شود و در خانه فیل آن نهاده می شود و عدد حرف اول از آن کم می شود و باقیمانده در خانه فیل حرف اول نهاده می شود سپس از آن کسر می شود چنانچه در اسب حرف اول است و باقیمانده در خانه فیل این اسب نهاده می شود. سپس از آن کسر می شود آنچه در اسب فرزین این اسب باشد و باقیمانده در فیل آن قرار می گیرد. سپس جمع می شود عدد حرف سوم و خانه فیل آن و از آن عدد حرف چهارم کم می شود و باقیمانده در فیل آن قرار می گیرد. سپس عدد اسب او نهاده می شود و باقیمانده در فیل آن قرار می گیرد. ما برای توضیح این قاعده و تبرک اسم شریف و لقب منیف و بلند مرتبه احمد آن را در مربع قرار دادیم و به سرانجام رساندیم.

احمد ۵۳	والدین ۱۰۱	سیف الدولة ۶۲۱	شیخ الاسلام و المسلین ۱۳۴۰
۶۲۰	۱۳۴۱	۵۲	۱۰۲
۱۳۴۲	۶۲۳	۹۹	۵۱
۱۰۰	۵۰	۱۳۴۳	۶۲۲

وفق آن ۲۱۱۵

**روش دوم:** بدین ترتیب است که حروف اسم در سطر اول عرضی نهاده می شوند سپس خانه‌های ششگانه با زیاد و کم کردن به روش ذکر شده پر می شود. سپس یکی به حرف دوم اضافه می شود و در پای قطر دوم نهاده می شود یا به مجموع حرف سوم و مجموع در پای قطر اول نهاده می شود. سپس یکی به آن اضافه می شود و در اسب این پا قرار داده می شود سپس یکی از عدد حرف سوم کم می شود و به عدد حرف دوم اضافه می شود و در پای قطر اول گذاشته می شود و از آن به حرف سوم اضافه می شود و در پای قطر دوم نهاده می شود. سپس یکی از آن کم می شود در اسب پا نهاده می شود سپس در خانه خالی سطر اول طولی عددی نهاده می شود که بدان وسیله وفق این سطر به دست می آید. سپس در خانه خالی پایان سطر طولی عددی نهاده می شود که وفق سطر به وسیله آن حاصل می شود. پس آن به اتمام می رسد و بعد از اتمام کار یاد شده به نام یعقوب (که به حساب جمل ۱۸۸ است)، مربعش این چنین می شود.



ب	قو	ع	ی ۱۰
۲	۱۰۶	۷۰	
۷۱	۹	۳	۱۰۵
۸	۶۸	۱۰۸	۴
۱۰۷	۵	۷	۶۹

وفق آن ۱۸۸

**روش سوم:** این است که بعد از قرار دادن حروف در سطر اول عرضی، به حرف اول زیاد یا کم گردد و در اسبش قرار داده شود. سپس از حرف چهارم کم شود یا به عکس به آن اضافه شود حرف اول و در اسبش قرار داده شود. سپس به عدد حرف دوم اضافه گردد اگر نخست از حرف اول کم شود یا کم می شود از آن اگر بر حرف اول یکی اضافه شود و قرار داده شود در اسبش. سپس زیاد می شود یا کم می شود و در فرزینش قرار می گیرد و سپس در اسبش قرار می گیرد. سپس از عدد حرف سوم کم می شود یا به عکس حرف دوم به آن اضافه می شود و در اسبش قرار می گیرد. سپس در فرزینش سپس در اسبش سپس بر عدد حرف اول یکی اضافه [می شود]. اگر اول از آن کم شود و از آن کم شود اگر اول اضافه شود] و قرار داده شود حاصل یا باقیمانده در خانه دوم از [سطر] عرضی پایانی سپس زیاد می شود یا کم می گردد و در اسب آن خانه قرار داده می شود، سپس کم می شود یا زیاد می شود بر عدد حرف چهارم و قرار داده می شود در سومین [سطر] عرضی پایانی سپس کم می شود یا زیاد می گردد و در اسبش قرار داده می شود. بعد از اتمام عمل به نام کاظم (به حساب جمل ۹۶۱) و سلطان (به حساب جمل ۱۵۰)، این گونه می شود.

م	ظ	ا	ک
۴۰	۹۰۰	۱	۲۰
۲	۱۹	۴۱	۸۹۹
۲۲	۳	۸۹۸	۳۸
۸۹۷	۳۹	۲۱	۴

وفق آن ۹۶۱



ن	طا	ل	س
۵۰	۱۰	۳۰	۶۰
۲۹	۶۱	۴۹	۱۱
۵۸	۲۸	۱۲	۵۲
۱۳	۵۱	۵۹	۲۷

وفق آن ۱۵۰

**روش چهارم:** این است که حروف اسم - چنان که گذشت - قرار داده می‌شوند سپس عدد حرف اول و چهارم جمع می‌شوند و به دو قسمت متفاوت تقسیم می‌گردند و یکی از آنها در خانه دوم [سطر] عرضی پایانی قرار می‌گیرد و دومی در خانه سوم آن (سطر عرضی پایانی) به طوری که کوچک‌ترین آنها در مقابل بزرگترینشان باشد و بیشترین آن‌ها در مقابل او، کمتر از حرف دوم و سوم قرار می‌گیرد.

سپس عدد حرف دوم و سوم جمع می‌شوند و به دو قسمت مختلف تقسیم می‌شوند و یکی از آنها در خانه اول قرار می‌گیرد و دومی در خانه چهارم از سطر آخر عرضی به طوری که کمتر در مقابل زیادتر از حرف اول و چهارم قرار گیرد و به عکس.

سپس عدد حرف اول و خانه چهارم از [سطر] اول طولی جمع می‌شود و به دو قسمت مختلف تقسیم می‌شود و یکی از آنها در [خانه] دومی از سطر پایانی طولی قرار داده می‌شود. سپس عدد حرف چهارم و خانه چهارم از سطر پایانی طولی جمع می‌شود و به دو قسمت مختلف تقسیم می‌شود و یکی از آنها در خانه دوم از سطر اول طولی قرار می‌گیرد و دومی در [خانه] سوم آن به طوری که کمتر در مقابل زیادتر واقع شود و به عکس.

سپس عدد رأس قطر دوم و پای آن و عدد خانه اول و چهارم از [سطر] عرضی سوم با رعایت تفاوت بین آن دو جمع می‌شود - یعنی بین عدد رأس قطر و پای آن و عدد خانه اول و چهارم از [سطر] عرضی سوم - سپس مجموع دو عدد خانه اول و چهارم از [سطر] طولی دوم به دو قسمت مختلف تقسیم می‌شود به طوری که تفاوت بین آن دو مساوی باشد با تفاوت حفظ شده که بیان شد و کوچک‌ترین آن دو در خانه دوم از [سطر] طولی سوم و بزرگ‌ترین آن دو در خانه سوم آن قرار داده می‌شود. اگر فضل و برتری با مجموع دو عدد رأس قطر دوم و پای آن باشد، وگرنه به عکس (یعنی جای کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین عوض شود).

سپس مجموع اعداد خانه اول و سوم و چهارم از [سطر] سوم عرضی از مجموع اعداد حروف اسم کم می‌شود و باقیمانده در خانه دوم آن قرار داده می‌شود. سپس مجموع اعداد خانه اول و سوم و

چهارم از [سطر] عرضی دوم از عدد اسم کم می‌شود و باقیمانده در خانه دوم آن قرار داده می‌شود و بعد از اتمام کار به اسم و لقب مبارک او (شیخ الاسلام والمسلمین سیف الدولة والدین احمد) مربع چنین می‌شود.<sup>۱</sup>

احمد	والدین	سیف الدولة	شیخ الاسلام و المسلمین
۵۳	۱۰۱	۶۲۱	۱۳۴۰
۲۰۰۰	۳۶	۷۴	۵
۴۰	۶۷۹	۱۳۲۶	۷۰
۲۲	۱۲۹۹	۹۴	۷۰

وفق آن ۲۱۱۵

همچنین بدان که این قاعده جاری است و صحیح است در اسمی که شامل [حروف] زیاد هم باشد مانند این اسم (محمد ابابکر) هرگاه به همین نحو در مربع قرار گیرد.

محمد	با	ا	بکر
۹۲	۳	۱	۲۲۲
۱۰۰	۲۰	۱۰۸	۹۰
۱۲۳	۱۸۰	۱۰	۵
۳	۱۱۵	۱۹۹	۱

وفق آن ۳۱۸

۱. در نسخه آستان قدس دو حرف الف کلمات «الاسلام والمسلمین» منظور نشده که ابجد آن ۱۳۳۸ شده و در کلمه «سیف الدولة» و در کلمه «والدین» حروف «ال» را در نظر نگرفته و حرف «د» را با تشدید دو بار در نظر گرفته پس مجموع اعداد ابجد آنها ۵۹۴ و ۷۴ می‌شود. بنابراین جدول با وفق ۲۰۵۹ چنین می‌شود (عدد ابجد حرف ت در نظر گرفته شده است):

شیخ الاسلام و المسلمین	سیف الدولة	والدین	احمد
۱۳۳۸	۵۹۴	۷۴	۵۳
۵۵	۷۰	۹۳۴	۱۰۰۰
۵۹۹	۱۰۰۵	۵۰	۴۰۵
۶۷	۳۹۰	۱۰۰۱	۶۰۱

وفق آن ۲۰۵۹



### مقاله ششم که درباره خواص [مربع‌های وفقی] است.

معمولاً اعداد را در مربع سوم تا مربع صدم قرار می‌دهند و خواص و آثار آنها را بیان می‌نمایند اما گروهی هم هستند که به مربع دو قائلند با این‌که دارای وفق نیست و در آن تساوی اعداد سطرهای طولی و عرضی و قطر ممکن نیست و در حالی‌که فقط تساوی دو سطر طولی ممکن باشد و فقط تساوی دو قطر امکان داشته باشد مانند مربع‌های زیر خواهد شد.

۲	۱
۳	۴

وفق آن ۵ (طولی)

۴	۱
۳	۲

وفق آن ۵ (عرضی)

۲	۱
۴	۳

وفق آن ۵ (قطری)

و شاید قائلین به این امکان توجه داشته‌اند و اکنون بیان مرتب آثار بعضی از مربع‌ها و خواص آنها در ادامه ذکر می‌شود.

**مربع دو [در دو]:** اگر با دست حنا بسته و در زمان اتصال ماه بر سنگ انگشتر نقش بندد و در انگشتر نهاده شود و کسی آن انگشتر را در دست نماید اگر دستش را روی آن بگذارد درها و قفل‌ها برایش باز می‌شوند؛ و اگر بر سنگ سخت (عقاب) نقش ببندد دارنده آن هیچگاه در بند و غل و زنجیر واقع نمی‌شود و اگر بر سنگ درنیش<sup>۱</sup> نقش بندد و حفظ شود در تسخیر دشمنان و جباران موفق می‌گردد.

**مربع سه [در سه]:** اگر سه مربع آن را بر سه قطعه سفالی که آب ندیده نوشته شود و سپس یکی از آنها بر ران راست زن حامله و دومی را بر ران چپ او و سومی را هنگام وضع حمل، بر پشت او بگذارند، زن به راحتی وضع حمل می‌کند.

و اگر بر کاغذی، اسم فراری و گمشده را بر پشت مربع که (روبه روی ۵ است) بنویسند و سپس

۱. نوعی سنگ قیمتی که برای نگین انگشتر به کار می‌رود.

در جایی، خاک شود و روی آن جا سنگی ضخیم بنهند، گمشده متحیر گشته بازمی‌گردد و این دو خاصیت از امام علی علیه السلام نیز نقل شده است. و اگر در روز دوم ساعت ماه بنویسند، زندانی آن را زیر پایش دفن کند آزاد می‌شود.

و چنانچه چهار مربع آن بر روی چهار قطعه کاغذ نوشته شود و هر یک از آنها در کوزه آب‌نندیده قرار گیرد و سپس همه کوزه‌ها در چهار گوشه زمین کشاورزی دفن شوند ملخ به آن ضرر نمی‌رساند و همه ملخ‌ها از آن جا بیرون می‌روند.

و هرگاه روی کاسه‌ای نوشته شود و شماره آیت‌الکرسی در اطراف آن با حروف مقطعه نگارش شود و سپس کاسه در آب فرو رود و آن آب بر سحر شده خورانده شود در حالی که مرد، عقد کرده زنش باشد سحر باطل می‌شود و نجات می‌یابد. و آن آب بر مسحور (مرد عقد کرده با خانمش) پاشیده شود، سحر باطل شود و مرد رها گردد.

و اگر در حالی که ماه در شرف یعنی درجه سوم نور دور از تحت الشعاع قرار گیرد و به کوکب سعد به نظر سعد نگاه کند نوشته شود دارنده آن می‌تواند زیاد راه برود. و اگر بر نقره نقش ببندد در حالی که ماه در سرطان باشد و به سعود ناظر باشد دارنده آن بر دشمن غلبه می‌کند. و هرگاه در هنگام اجتماع نیرین (مقارنه خورشید و ماه) نوشته شود دارنده آن به مقاصدش می‌رسد و در امنیت واقع می‌شود. و هرگاه نوشته شود در حالی که ماه با نظر تسدیس یا تثلیث به خورشید نظر می‌کند مقام دارنده آن بالا رود. و اگر بر کاغذ نوشته شود در حالی که اسد طلوع کرد، سپس در نقطه‌ای از آن اسم مورد نظر نوشته شود و با مُشک و زعفران بخار داده شود مراد حاصل گردد.

و اگر چنانچه هنگام تریبیع یا مقابله مریخ به اسم دو کافر نوشته شود تفرقه و عداوت بین آن دو ایجاد می‌شود. و اگر چنانچه در حالی که نگاه سعد ماه به زهره یا مشتری است برای ایجاد محبت نوشته شود، مراد حاصل می‌شود.

**مربع چهار [در چهار]:** اگر بر انگشتی از جنس آهن یا مس نقش ببندد در حالی که ماه و خورشید در شرف باشند و ماه رو به ازدیاد باشد و نحوس از آن و از طالع و عاشر ساقط باشد دارنده این انگشتی عزیز گردد و سخنش نزد پادشاهان و بزرگان مقبول افتد و از طاعون و آبله در امان باشد. و چنانچه بر نقره نقش ببندد در حالی که خورشید در شانزدهم یا بیست و یکم یا بیست و هشتم حوت باشد و ماه در سرطان باشد و هر دو سعد ناظر باشند و هر دو نحس از طالع و عاشر ساقط باشند و طالع اسد باشد، دارنده این انگشتی نزد قاضیان و وزیران گرامی داشته می‌شود. و چنانچه بر سنگ سیاه نقش ببندد و در بالای ساختمان قرار داده شود، ساختمان تا روز قیامت باقی می‌ماند و صاعقه او را نابود نمی‌کند.

و چنانچه نوشته شود در حالی که بین زهره و عطارد مقارنه صورت گرفته باشد، دارنده آن نزد سلطان

عزیز گردد و از شر دشمنان مودی در امان باشد و نیز از شرّ حشرات و عقرب و مار محفوظ باشد. و چنانچه بر کاسه‌ای نوشته شود و در آب فرو رود و بیمار آبله از آن بنوشد، شفا یابد. و چنانچه در حالی که خورشید در شرف یعنی درجه نوزدهم حمل باشد و ماه در شرف باشد، اگر روی صندوق نگهدار کالا یا پشت نسخه‌ای نوشته شود دزد به آن راه نیابد. و چنانچه در حالی که ماه با مریخ اتصال سعده داشته باشد نوشته شود دارنده آن بر دشمنان پیروز گردد و از مرض قولنج شفا یابد و در امان باشد.

**مربع پنج [در پنج]:** اگر با مشک و زعفران و گلاب و شکر بر قطعه نمناک پارچه نوشته شود در حالی که زهره در شرف یعنی درجه بیست و هفتم حوت باشد و ماه در چهارم سرطان باشد و [آن پارچه] در آب فرو برده شود اگر بچه‌ای شیر نمی خورد از آن آب بنوشد شیر هم خواهد نوشید و اگر در چشم ریخته شود نور آن افزون خواهد گشت.

و چنانچه به نام کافری نگاشته شود در حالی که خورشید در میزان یا قوس و ماه در عقرب باشد و هر دو با هم اتصال نحس داشته باشند [مریض می شود].

و هرگاه با ناخن‌های متفاوت کوچک بر کاغذ نوشته شود و بین قومی پخش شود بین آنها دشمنی و جدایی اتفاق می افتد.

و چنانچه بر خشت خامی که [خالی از کاه باشد] نقش بندد هنگام طلوع جوزا وقتی ماه و خورشید در طالعند و عطارد در وبال یعنی قوس و حوت یا در هبوط از درجه پانزدهم حوت باشد و نحسان (زحل و مریخ) ناظر باشند سپس در آب حل گردد و پاشیده شود بر ساختمان، ساختمان در آستانه انهدام و نابودی قرار می گیرد.

و اگر در حالی که زهره در شرف است و طالع سعده است نوشته شود دارنده آن بر زنان و مطربان دست می یابد.

و اگر در حالی که ماه و خورشید در تسدیس یا تثلیث باشند نوشته شود دارنده آن از درد مفاصل و دندان شفا یابد و سختی زایمان بر او آسان می شود.

و چنانچه در حالی که مریخ در عقرب است و ماه در خانه اش - یعنی سرطان - و تثلیث به سوی ناظر باشد نوشته شود، دارنده آن بر دشمنان غلبه می کند اگر چه کثرت آن دشمنان به اندازه زمین تا آسمان باشد.

**مربع شش [در شش]:** اگر به روش و طریق سفر و صلیب چنان که قبلاً گفتیم بر خشت پخته نقش ببندد در حالی که زحل در شرف باشد و سپس در بالای عمارت نهاده شود [آن عمارت] برای همیشه خواهد ماند.

و چنانچه در همان وقت بر کاغذ نوشته شود دشمن دارنده آن کاغذ ظفر نیابد و هر چند زیاد باشند بر او غلبه نکنند.

و چنانچه نوشته شود در حالی که خورشید در دهم حمل باشد و آن نوشته بین کالا نهاده شود، دزد بر آن دست نیابد.

و چنانچه در حالی که به سعدین نظر می‌کند نوشته شود دارنده آن از حشرات در امان است و چنانچه با مشک و زعفران روی پوست آهو در یازدهم میزان نوشته شود در حالی که به سعدین نظر می‌کند دارنده آن عزیز گردد و هر که به او بنگرد او را دوست خواهد داشت.

**مربع هفت [در هفت]:** هرگاه عطارد در شرف باشد یعنی در پانزدهم سنبله و ماه در خانه‌اش باشد بر قطعه‌ای کتان با مشک و زعفران و گلاب نوشته شود سپس این قطعه در آب فرو رود در هنگام حلول ماه در شرف، هر جن زده‌ای آن را بنوشد سحرش باطل می‌شود و اگر در غذا ریخته شود هر که آن را بخورد کیاست و هوشش افزون گردد.

و چنانچه بر حریر یا کاغذ ابریشمین تحریر شود علم ریاضیات و سرودن شعر برای دارنده آن آسان شود و کسانی که طالب ریاستند به آرزویشان می‌رسند.

و چنانچه هفت مربع بر هفت کاغذ به نام کسی که طالب محبت او هستید در روز هفتم ماه هنگامی که خورشید در ساعت سعد است بنویسید و هر یک از آنها را در درون تخمی قرار دهند و سپس همه تخم‌ها در نهری قرار داده شوند به مراد خود خواهند رسید.

**مربع هشت [در هشت]:** اگر در حالی که مشتری در شرف است یعنی در درجه پانزدهم سرطان یا در قوس دور از مقابله مریخ و زحل در تربیع آن دو باشد نوشته شود دارنده آن به مقاصد و خواسته‌هایی که از امیران و وزیران و پادشاهان دارد می‌رسد.

و چنانچه نوشته شود در حالی که خورشید در اول حمل باشد و ماه در سعد باشد، دارنده آن در پیاده‌روی پایش نیرومند می‌شود.

و چنانچه با آب زعفران و نی روی نان جو نوشته شود در حالی که مشتری در شرف باشد و ماه اتصال سعد با او داشته باشد و آن را حیوانی که شکم درد داشته باشد بخورد درد او در وقت طلوع خورشید بر طرف می‌شود.

و اگر چنانچه با مشک و زعفران و گلاب بر روی حریر نگاشته شود و صبحگاهان بر مرد جن زده بسته شود جنون از او رخت بر می‌بندد.

**مربع نُه [در نُه]:** هرگاه مریخ در بیست و چهارم جدی باشد و زهره مانند تسلیس یا تثلیث، ناظر او باشد و روی کرباسی یا کاغذی با مشک و زعفران و گلاب نوشته شود و فوراً در هم بپیچانند بین مردمانی که عداوت و دشمنی دارند صلح می‌کنند و هرگاه کسی آن را به همراه خود داشته باشد از شر و کید دشمنان ایمن گردد.

و هرگاه ماه در شرف باشد و زهره در اول قوس باشد هرکس برای دشمنی و شکایت از [دارنده



این مربع [نزد سلطان برود، دشمنی اش از او قطع می شود و غضب سلطان علیه او خاموش و خصم از او عذرخواه گردد و هرگاه نوشته شود در حالی که خورشید در شرف باشد دارنده آن اگر دچار کسالت و خمودی باشد بیماری از او دفع گردد.

**مربع ده [در ده]:** هرگاه مشتری در شرف باشد و ماه با تثلیث یا تسدیس به او بنگرد و روی کرباس نوشته شود و در آب فرو رود و مسموم از آن بنوشد سم به او ضرر نخواهد رساند.

و هرگاه نوشته شود روی کاغذ و آن را هنگام رویداد مهمی در دست بگیرد به مرادش می رسد. و هرگاه در حالی که ماه در ثور است بر انگشتری نقره نقش ببندد و مهر آن انگشتری روی مومی نقش ببندد و سپس موم در کاسه ای یا کوزه آبی انداخته شود و مریض از آب آن بنوشد بیماری از بیمار بر طرف می شود و صحت یابد به خواست خدا.

وقتی مصنف آن را تمام کرد از روی دست خط مصنف در مشهد الرضا علیه السلام در سال «ظیز» (۹۱۷) قمری کتابت شده در اردبیل که خداوند آن را آباد گرداند به دست این بنده نیازمند و برای بزرگواران در ششم ذی الحجة الحرام سال ۹۹۶ [قمری] کتابت شد.